

تبیین مفهوم و جایگاه «قرار بایگانی پرونده» در قانون آیین دادرسی کیفری ایران

خاتون مهیمی، محمود روح الامینی

محقق و پژوهشگر حقوق

چکیده

بایگانی کردن پرونده یکی دیگر از تدابیر قضایی است که سبب سرعت بخشیدن به فرایند کیفری می شود. از این رو قرار بایگانی کردن پرونده نوعی قرار نهایی است که طی آن مقام تعقیب، بنا به اختیار خود از تعقیب متهم منصرف می شود.^۱ در نظام کیفری ایران تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این تدبیر در شمار ی از مقررات تقنینی و در مورد برخی از جرایم خاص مانند جرایم حوزه امور پزشکی و دارویی، حمل و نقل کالا و مسافر، پست، احتکار و گرانفروشی پیش بینی شده بود.^۲ تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این نهاد ارفاقی را در ماده ۸۰ پیش بینی نموده اند. این ماده اگر چه اقدام مناسبی در جهت سرعت بخشیدن به فرایند رسیدگی کیفری است و از اطاله دادرسی می کاهد ولی با این همه ایرادات و اشکالاتی نیز بر پان وارد است. یکی از مهمترین ایرادات این ماده محدود نمودن دامنه ی جرایم مشمول قرار بایگانی است. در این تحقیق سعی می شود مفهوم این قرار و جایگاه آن در قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین نقاط قوت و نقاط ضعف آن مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: قرار بایگانی پرونده، قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

^۱ - شکرچی زاده، محسن، پیشین، ص ۳۵.

^۲ بهروز جوانمرد. فرایند دادرسی کیفری. (جلد اول). انتشارات جاودانه، سال ۱۳۹۳، ص ۳۴۴.

مقدمه

بر مبنای این ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت،^۱ چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند».

بایگانی کردن پرونده به ویژه بایگانی ساده، از آن جا که برخلاف بسیاری از نهادهای ارفاقی دیگر دارای حداقل تشریفات و ضوابط قانونی است و علی الاصول با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر پرونده قضایی و شخصیتی مرتکب اعمال می گردد، به عنوان یکی از مصادیق قاعده مناسب بودن تعقیب، ضمن کاهش تراکم پرونده ها در مراجع قضایی، اجرای سریع عدالت و فصل خصومت را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت، قانونگذار در راستای سیاست قضازدایی در مرحله تحقیقات مقدماتی این اختیار را به دادستان به عنوان مقام تعقیب داده است تا با رویکردی مصلحت گرایانه و با ارزیابی تناسب تعقیب دعوی کیفری، ضمن حفظ حقوق بزه دیدگان، به بزهکاری پاسخ سریع و فوری بدهد.^۲ چنین شیوه ای از مطرح شدن پرونده کیفری در مراحل دیگر فرآیند دادرسی و در نتیجه معطل ماندن طرفین دعوا برای صدور تصمیم قضایی جلوگیری می نماید. به نظر می رسد نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در وضع تدبیر بایگانی کردن پرونده از حقوق کشور فرانسه الهام گرفته اند.^۳ با این همه بایگانی پرونده منوط به اعمال و رعایت برخی از شرایط می باشد.

مبحث اول: شرایط صدور قرار بایگانی پرونده

یکی از مهم ترین شرایط صدور قرار بایگانی پرونده با ماهیت جرم ارتكابی ارتباط پیدا می نماید.

گفتار اول: ماهیت جرم ارتكابی

بر مبنای ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری بایگانی پرونده تنها جرایم تعزیری درجه هفت و هشت را در بر می گیرد. به نظر می رسد قانون گذار دامنه ی جرایم مشمول بایگانی پرونده را بسیار تا بسیار محدود نموده است؛ زیرا از یک سو جرم ارتكابی باید تعزیری باشد بنابراین جرایم مشمول حد و جرایم مشمول قصاص که دامنه ی بسیار زیادی دارند از شمول ماده ی ۸۰ خارج می باشند. به نظر می رسد بسیاری از جرایم حدی از قابلیت برخوردارند که بتوانند مشمول ماده ی ۸۰ شوند. در حقیقت بسیاری از جرایم حدی با توبه ساقط می شوند. اگر متهم در برابر دادستان توبه بنماید و دادستان نیز توبه وی را احراز بنماید چه دلیلی وجود دارد که پرونده به دادگاه ارسال شود. به نظر می رسد نویسندگان ماده ی ۸۰ به این ظرافت حقوقی توجه ننموده اند که توبه نه تنها عامل سقوط مجازات است بلکه توبه می تواند عامل سقوط تعقیب کیفری هم باشد. شاید بتوان این نقد را وارد نمود که توبه باید در مقابل دادگاه باشد نه دادستان. به نظر می رسد این استدلال بسیار ضعیف می باشد زیرا در مقررات فقهی توبه عامل سقوط مجازات است و منظور از دادگاه در مقررات فقهی توبه در مقابل مقام قضایی است. دادستان خود مقام قضایی می باشد بنابراین آنچه که مهم است دارا بودن صلاحیت «قضاوت نمودن» است. دادستان از چنین صلاحیتی برخوردار می باشد. چه بسا افرادی سالها رییس دادگاه بوده و سالها اقدام به صدور رای نموده اند و در حال حاضر نیز دادستان می باشند؛ بنابراین آنچه مهم است صلاحیت قضاوت نمودن و حکم صادر نمودن است که دادستان نیز چنین

^۱ - مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرایم تعزیری درجه ۷ آن دسته از جرایمی است که دارای مجازات حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال با شلاق از یازده تا سی ضربه یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه می باشد. همچنین، جرایم تعزیری درجه ۸ شامل اعمال مجرمانه ای است که برای آنها مجازات حبس تا سه ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال با شلاق تا ده ضربه پیش بینی شده است.

^۲ - خزانی، منوچهر، (۱۳۷۷)، بررسی نظری و عملی تسریع در آیین دادرسی کیفری، در: مجموعه مقالات فرآیند کیفری، چاپ نخست، تهران، انتشارات گنج دانش، ص

^۳ - ر.ک. مواد ۱-۴۰ تا ۳-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

صلاحیتی را دارا می باشد. نکته بسیار جالب و حایز اهمیت این است که قانون گذار در ماده ی ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است که «تعقیب کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی شود مگر در موارد زیر ...». گفتنی است یکی از این موارد طبق بند ج همین ماده «توبه متهم» می باشد؛ بنابراین به صراحت ماده ی ۱۳ توبه عامل توقف تعقیب کیفری است؛ یعنی در صورتی که متهم توبه بنماید تعقیب باید متوقف بشود. قانون آیین دادرسی کیفری به هیچ عنوان اشاره ننموده است که آیا دادستان نیز می تواند بر مبنای توبه متهم قرار توقف تحقیقات را صادر بنماید و یا خیر. شاید به همین دلیل است که برخی از حقوق دانان بر این باورند که قانون آیین دادرسی کیفری کیفیت و چگونگی احراز توبه توسط مقامات قضایی را مشخص نکرده است.^۱ ولی متأسفانه رویه ی قضایی نشان می دهد که مقام های قضایی دادسرا یعنی دادستان و حتی بازپرس در قلمرو جرایم حدی خود را صالح به احراز توبه نمی دانند و پرونده را برای هر گونه تصمیم قضایی پس از تکمیل تحقیقات به دادگاه ارسال می نمایند. به نظر می رسد مقام های قضایی دادسرا هنوز بر این باور نرسیده اند که آنها نیز مانند مقام های قضایی دادگاهها از «صلاحیت علمی و عملی و اخلاقی» امر قضا برخوردارند. اگر آنها در دادسرا انجام وظیفه می نمایند به این دلیل نیست که صلاحیت صدور حکم را ندارند بلکه به دلیل تقسیم کار قضایی است. صدور قرار همان ارزش و اعتبار صدور حکم را دارد و اگر پرونده پس از اظهار نظر آنها به دادگاه ارسال می شود تنها به دلیل پیشگیری از وقوع اشتباهات احتمالی است. چنین اشتباهاتی را قضا دادگاه هم ممکن است مرتکب شوند به همین دلیل بسیاری از پرونده ها قابل رسیدگی در دادگاه تجدید نظر می باشند و از آنجاییکه حتی ممکن است قضا دادگاه تجدید نظر هم دچار اشتباه شوند پرونده ها برای رسیدگی مجدد به دیوان عالی کشور ارسال می شوند؛ بنابراین به نظر می رسد ماده ی ۸۰ نیاز به اصلاح دارد و امکان الحاق جرایم حدی به این ماده وجود دارد. همچنین به نظر می رسد برخی جرایم مشمول قصاص که امکان اعمال قصاص وجود ندارد نیز از چنین قابلیت برخوردارند که بتوانند در قلمرو ماده ی ۸۰ قرار بگیرند ولی متأسفانه قانون گذار این جرایم را از دایره ماده ی ۸۰ خارج نموده است. افزون بر این ماده ی ۸۰ تنها جرایم تعزیری درجه ی هفت و هشت را در بر می گیرد. گفتنی است دامنه ی جرایم تعزیری درجه ی هفت و هشت بسیار تا بسیار محدود می باشد و چون این جرایم از اهمیت چندانی برخوردار نیستند به همین دلیل طبق ماده ی ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری این جرایم به طور مستقیم در دادگاه مطرح می گردند. گفتنی است طبق ماده ی ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری تمامی جرایم این قابلیت را دارند که دادستان در خصوص آنها قرار بایگانی صادر بنماید.

گفتار دوم: مقام صادر کننده قرار بایگانی پرونده

بر مبنای ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری «مقام قضایی» شخصی صالح برای صدور قرار بایگانی پرونده است. اصطلاح «مقام قضایی» یکی از مبهم ترین اصطلاحات در قانون آیین دادرسی کیفری است. گفتنی است این اصطلاح نه در قانون آیین دادرسی کیفری و نه در هیچ قانون دیگری تعریف و تبیین نشده است؛ بنابراین این پرسش مطرح می گردد که به چه دلیل قانون گذار اصطلاحی را بیان نموده است که در عرف قانون نویسی چندان معمول و رایج نمی باشد. از منظر عرفی تمامی اشخاصی که «پایه ی قضایی» دارند مقام قضایی محسوب می شوند. برخی از حقوق دانان البته با تردید بر این باورند که منظور از «مقام قضایی» در ماده ی ۸۰ بازپرس، دادستان و دادیار می باشد.^۲ به نظر می رسد اصطلاح مقام قضایی عام می باشد و تمامی مقام های قضایی چه در دادسرا و چه در دادگاه را در بر می گیرد. شایان یادآوری است در نظام حقوقی فرانسه طبق ماده ی ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری تنها دادستان می تواند قرار بایگانی پرونده را صادر بنماید و سایر مقام های قضایی به هیچ عنوان از چنین اختیاری برخوردار نمی باشند.

با این همه بر مبنای ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد جرایم غیر قابل گذشت مقام قضایی راسا اقدام به صدور قرار بایگانی پرونده می نماید ولی در خصوص جرایم قابل گذشت مقام قضایی در صورتی می تواند اقدام به این امر بنماید که

^۱ گلدوست جویباری رجب (۱۳۹۴) «آیین دادرسی کیفری»، نشر جنگل، ص ۶۶.

^۲ گلدوست جویباری رجب (۱۳۹۴) «آیین دادرسی کیفری»، نشر جنگل، ص ۹۷.

شاکی گذشت نموده باشد. یکی از نقاط مثبت ماده ی ۸۰ همین مطلب است که این ماده هم جرایم قابل گذشت و هم جرایم غیر قابل گذشت را در بر می گیرد. ولی یکی از معایب این ماده نیز این است که صدور قرار بایگانی پرونده در خصوص جرایم قابل گذشت منوط به گذشت شاکی می باشد. در حقیقت قانون گذار می بایستی جبران ضرر و زیان بزه دیده را عاملی برای صدور قرار تلقی می نمود نه گذشت وی زیرا ممکن است علی رغم جبران ضرر وارده بزه دیده گذشت ننماید و حتی درخواست مبلغی مازاد بر ضرر و زیان وارده را درخواست بنماید یعنی در واقع با تکیه بر این ماده اقدام به زورگیری بنماید. متأسفانه نویسندگان ماده ی ۸۰ به این نکته ی ظریف دقت لازم ننموده و بیش از اندازه به بزه دیده قدرت و اختیار داده اند. در حقیقت در چنین بستری دادرسی نیز ناعادلانه خواهد بود زیرا در جایی که بزهکار تمامی ضرر و زیان وارده را جبران می نماید و از بزه دیده عذرخواهی نیز می نماید و از ارتکاب جرم نیز نادم می باشد در چنین بستری اگر بزه دیده از گذشت خودداری بنماید و خواهان ادامه رسیدگی شود این امر بسیار ناعادلانه می باشد زیرا از یک سو لج بازی و سماجت وی موجب ایجاد هزینه برای دستگاه قضایی می شود و از سوی دیگر وقت زیادی از بزهکار را می گرد امری که هیچ فایده عملی در بر ندارد.^۱ در حقیقت نباید فراموش بشود که صدور قرار بایگانی پونده تنها در جهت نفع بزهکار نمی باشد بلکه در جهت نفع جامعه و بویژه دستگاه قضایی نیز می باشد زیرا سبب می شود از هزینه های دستگاه قضایی و همچنین از اطاله دادرسی و تراکم پرونده ها نیز کاسته شود

بنابراین منوط نمودن دامنه ی جرایم مشمول ماده ی ۸۰ به جرایم تعزیری درجه ی هفت و هشت سبب شده است که این ماده کارایی عملی چندانی نداشته باشد.

گفتار سوم: شرایط مرتبط با متهم

در خصوص شرایط مرتبط با متهم گفتنی است طبق ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقام قضایی در مرحله ی نخست باید اقدام به «تفہیم اتهام» بنماید. حال این پرسش مطرح می گردد که فلسفه تفہیم اتهام چیست. به نظر می رسد نویسندگان ماده ی ۸۰ دقت لازم را به کار نبرده اند زیرا در پاره ای از موارد ممکن است فردی متهم به ارتکاب جرمی بشود و دلایلی نیز برای این امر در اختیار دادستان باشد ولی وی در واقع بیگناه باشد. در چنین بستری صدور قرار بایگانی پرونده نه تنها به مفهوم بیگناهی نیست بلکه دقیقاً برعکس نشان از گناهکاری متهم دارد در چنین بستری برچسب مجرمیت برخلاف حقیقت به متهم زده می شود.^۲ در حقیقت برای پیشگیری از برچسب زنی باید قرار بایگانی پرونده در مورد متهمی صورت بگیرد که خود مراتب مجرمیت را قبول دارد؛ بنابراین بهتر بود که قانون گذار بجای شرط تفہیم اتهام مقرر می داشت که متهم باید مراتب مجرمیت را قبول داشته باشد. در وضعیت فعلی تفہیم اتهام هیچ فایده عملی ندارد زیرا اگر متهم اتهام را بپذیرد یا نپذیرد تاثیر چندانی در صدور قرار بایگانی پرونده ندارد زیرا بر حسب ظاهر ماده مقام قضایی می تواند قرار بایگانی پرونده را حتی در مورد متهمی که اتهام را قبول ندارد نیز صادر بنماید. افزون بر این امر برای صدور قرار بایگانی پرونده متهم باید فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد. در حقیقت منظور قانون گذار این بوده است که این تدبیر شامل متهمینی که حالت خطرناک دارند نشود. در واقع قانون گذار وجود سابقه محکومیت کیفری را فرض بر وجود حالت خطرناک نزد متهم دانسته است. با این همه شایان یادآوری است که با توجه به اینکه ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری جرایم بسیار سبکی را هم در بر می گیرد بهتر بود که قانون گذار مقرر می داشت که مقام قضایی در صدور قرار بایگانی پرونده سابقه ی محکومیت متهم را نیز مورد توجه قرار می دهد. در چنین بستری مقام قضایی می توانست حتی با وجود سابقه محکومیت اقدام به صدور قرار بایگانی پرونده بنماید. با این همه ماده ی ۸۰ در ادامه مقرر می دارد که مقام قضایی وضعیت اجتماعی و سوابق متهم را ملاحظه می نماید. حال در اینجا مشخص نیست منظور از «سوابق» چیست. آنچه که در مرحله ی نخست به ذهن متبادر می

^۱ بوربخش، سید محمدعلی. ۱۳۸۷. جایگزین‌های نوین مجازات زندان در نظام کیفری. مجله حقوقی گوا. شماره ۱۲.

^۲ - بوشهری، جعفری، (۱۳۴۹) مدیریت اسناد و فن بایگانی، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.

گردد سوابق محکومیت یا مجرمیت می باشد. با وجود اینکه قانون گذار اشاره به «سوابق محکومیت کیفری موثر» نموده است به نظر می رسد منظور سوابقی می باشد که محکومیت موثر تلقی نمی گردند؛ و همچنین منظور مواردی است که شخصی در مراجع اداری یا غیر قضایی سابقه محکومیتی دارد و یا همچنین موارد اتهامی است که هنوز در خصوص آنها حکمی صادر نشده است. بزر مبنای ماده ی ۸۰ مقام قضایی افزون بر این موارد همچنین وضعیت اجتماعی متهم را نیز باید در نظر بگیرد. منظور از وضعیت اجتماعی به نظر مورد نوع شغل متهم می باشد. ممکن است در برخی موارد شخصی جرمی را به دلیل وضعیت نامناسب یا نامساعد شغلی خود مرتکب شود. در نتیجه در چنین بستری آنچه باعث وقوع جرم شده است وضعیت نامساعدی است که متهم از آن رنج می برده است. همچنین ممکن است فردی بیکار باشد و در اثر نیافتن شغل و کار مطلوب و مد نظرش دچار ارتکاب جرم شده باشد. با حتی ممکن است برخی از افراد برای داشتن درآمد و یافتن شغل اداقم به ارتکاب جرمی بنمایند به عنوان مثال مدرکی را جعل بنمایند. در چنین بستری است که هدف متهم به هیچ عنوان انجام یک رفتار غیر اجتماعی آسیب زنده به جامعه نیست بلکه هدف وی داشتن شغل و درآمد می باشد. در چنین بستری اگر فرد یاد شده شغل مناسبی می داشت هرگز دست به ارتکاب جرم نمی زد. همچنین مقام قضایی در صدور قرار بایگانی پرونده باید به اوضاع و احوالی که سبب وقوع جرم شده است توجه بنماید. همان طور که بیان گردید در برخی موارد برخی افراد به هیچ عنوان قصد ارتکاب جرم را ندارند و به عبارت بهتر این افراد به هیچ عنوان قصد آسیب وارد آوردن به اجتماع را ندارند بلکه هدف آنها حل مشکلی است که در پیش پای آنان قرار دارد. در چنین بستری اگر آن مشکل وجود نداشت آن فرد هم به هیچ عنوان مرتکب جرم نمی شود. در واقع در برخی موارد برخی افراد چاره ای جز ارتکاب جرم ندارند اگر چه اقدام آنها نیز به هیچ وجه در قالب اجبار یا اکراه یا دفاع مشروع نیز نمی گنجد. به همین دلیل است که در حقوق فرانسه قرار بایگانی در مورد تمامی جرایم امکان صدور را دارد. گاهی ممکن است فردی برای یافتن شغل اقدام به جعل مدرکی بنماید. حتی امروزه در برخی از هتل داران برای نظافت هتل فقط اشخاص دارای مدرک لیسانس را استخدام می نمایند حال فرض نمایم فردی برای کار کردن در هتل مدرکی را جعل نموده است. در وضعیت فعلی جرم جعل از مصادیق ماده ی ۸۰ خارج می باشد. حال این پرسش مطرح می گردد که تعقیب کیفری چنین فردی چه نتیجه ای می تواند در بر داشته باشد. در چنین بستری دادستان به متهم می گوید چون نیت شما خیر بوده و کاری هم که برای آن اقدام به جعل نموده اید کاری است که شما توان و صلاحیت لازم برای انجام آن را دارید ما از تعقیب کیفری شما صرف نظر می نمایم ولی در صورت تکرار ممکن است حتی اگر نیت شما خیر باشد باز هم تحت تعقیب قرار بگیرد. یکی از جرایمی که بسیار شایع می باشد جعل امضا می باشد در موارد عدیده ای ملاحظه شده است که افرادی بجای پدر و مادر یا همسر اقدام به جعل نموده اند. در چنین بستری هدف آنها به هیچ عنوان ضرر و آسیب وارد آوردن به دیگری نبوده است بلکه حتی هدف آنها از جعل کمک به طرف مقابل بوده است. در چنین بستری تعقیب کیفری متهم هیچ نفعی به دنبال ندارد. همان طور که می دانیم بسیاری از جرایم تحت تاثیر رفتار تحریک امیز بزه دیده صورت می گیرد^۱. همان طور که می دانیم رفتار و گفتار تحریم امیز بزه دیده طبق ماده ی ۳۷ قانون مجازات اسلامی عامل تخفیف مجازات می باشد؛ بنابراین به نظر می رسد رفتار و گفتار بزه دیده همان طور که می تواند عامل تخفیف باشد می تواند عامل توقف تعقیب و بایگانی کردن پرونده نیز باشد.

مبحث دوم: آثار قرار بایگانی پرونده

گفتنی است اثر اصلی ماده ی ۸۰ قانون ایین دادرسی کیفری توقف تحقیقات می باشد. در حقیقت پس از توقف تحقیقات مقام قضایی باید پرونده را بایگانی بنماید. ماده ی ۸۰ یاد شده هیچ تعریفی از بایگانی پرونده ارائه نمی دهد. در حقیقت مشخص نیست منظور از بایگانی پرونده یعنی خارج کردن پرونده از دستور و حفظ آن برای امکان دسترسی در مراجعات بعدی و یا خارج شده پرونده از دستور کار مقام قضایی به طور کلی به نحوی که کل پرونده امحاء شود. حتی مشخص نیست در فرضی که پرونده باید از دستور کار خارج ولی حفظ شود آن پرونده تا چه زمانی باید حفظ و نگهداری شود؛ بنابراین به نظر می رسد

^۱ ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ میزان، ۱۳۹۱، ص ۳۴۷.

ماهیت «بایگانی پرونده» چندان هم روشن نیست. با این همه بایگانی پرونده آثاری را به دنبال دارد؛ آثاری بر متهم و آثاری بر دستگاه عدالت کیفری و جامعه.

گفتار اول: آثار قرار بایگانی پرونده بر متهم

قرار بایگانی به دو صورت ساده یا مشروط می تواند صادر بشود. در فرض نخست مقام قضایی دستور توقف تحقیقات و همچنین بایگانی پرونده را صادر می نماید و متهم موظف به انجام هیچ امری نمی باشد. در بایگانی مشروط بر عکس متهم «التزام کتبی به رعایت مقررات قانونی می دهد». به نظر می رسد نویسندگان ماده ی ۸۰ در وضع این شرط دچار اشتباه حقوقی فاحش شده اند. گفتنی است یکی از ویژگی های مهم قوانین کیفری جنبه اجبار و الزام است. کلیه ی افراد موظف به رعایت قوانین می باشد. متهم موظف به رعایت قانون است در جایی می توان از متهم تعهد گرفت که قانون را رعایت بنماید که انجام آن امر اجباری نباشد یعنی متهم مختار باشد که آن امر را انجام بدهد یا انجام ندهد. با این همه به نظر می رسد این شرط برگرفته از ماده ی ۱-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فراسه است که متأسفانه نویسندگان ماده ی ۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به درستی آن را ترجمه ننموده اند. در واقع بر مبنای ترجمه ی محتوایی بند ۱ ماده ی ۱-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فراسه «دادستان باید مفاد قانونی را به متهم یادآور شود» البته ترجمه ی تحت اللفظی این ماده عبارت است از «اقدام به یادآوری تعهدات قانونی به متهم». در واقع مفهوم این بند از نظر حقوقی این است که دادستان به متهم بگوید که وی مرتکب چه جرمی شده است و در قانون چه مجازاتی برای آن جرم پیش بینی شده است و همچنین وی چه خسارت هایی را باید جبران بنماید». در واقع چون دادستان اقدام به تفهیم اتهام نمی نماید بنابراین لازم است که به متهم گفته شود وی چه جرمی مرتکب شده و مجازات و یا خسارت های قابل جبران ناشی از آن جرم چه می باشند. این در حالی است که در ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقام قضایی اقدام به تفهیم اتهام می نماید بنابراین عملاً جایی برای یادآوری قانون باقی نمی ماند. در نتیجه به نظر می رسد نویسندگان ماده ی ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری ترجمه ناقصی از موارد قانون آیین دادرسی کیفری فراسه ارائه داده اند.

گفتار دوم: قرار بایگانی پرونده بر متهم در حقوق فرانسه

در واقع در برخی کشورها همانند کشور فرانسه قرار بایگانی می تواند به صورت مشروط صادر بشود در چنین بستری دادستان انجام برخی رفتارها یا ترک برخی رفتارها را به متهم پیشنهاد می دهد اگر متهم پیشنهادات دادستان را بپذیرد در چنین بستری دادستان در ابتدا از متهم التزام کتبی می گیرد که وی به آن تعهدات وفادار بماند و سپس اقدام به صدور قرار بایگانی پرونده می نماید. در حقیقت التزامی که از متهم گرفته می شود برای اجرای دقیق این تعهدات است نه التزام برای اجرای قانون؛ متهم موظف به اجرای قانون می باشد بنابراین هرگز نمی توان از کسی التزام گرفت که قانون را رعایت بنماید. نکته ی جالب توجه این است که ماده ی ۸۱ به موارد متعددی از تعهداتی که در حقوق فرانسه دادستان به متهم پیشنهاد می نماید اشاره نموده است؛ بند الف این ماده «ارایه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده» را پیش بینی نموده است؛ بنابراین مقام قضایی می تواند به متهم پیشنهاد بنماید که خدماتی را به بزه دیده ارائه بدهد و اگر متهم چنین تعهدی را پذیرفت از وی التزام کتبی بگیرد که وی به تعهدش عمل بنماید. در حقیقت در چنین وضعیتی گرفتن التزام از نظر روانی می تواند تاثیر بسزایی بر روی متهم داشته باشد. همچنین در حقوق فرانسه وقتی از متهم التزام گرفته می شود به وی یادآوری می شود که در صورت عدم اجرای تعهدات تعقیب کیفری به جریان می افتد. اگر این تعهدات جنبه مالی داشته باشد و متهم آنها را انجام ندهد بعداً بزه دیده بر مبنای التزام و تعهد کتبی می تواند در دادگاه حقوقی دادخواست بدهد و مطالبه خسارت بنماید. ممکن است متهم خسارت مالی زیادی به بزه دیده وارد نموده باشد و مرتکب جرم تخریب شده باشد. دادستان به وی پیشنهاد می دهد که اگر خسارت های وارده به بزه دیده را جبران بنماید وی تعقیب را متوقف و پرونده را بایگانی می نماید. در چنین فرضی گرفتن تعهد به جبران خسارت اثر مهمش این است که اگر وی تعهدش را انجام ندهد بزه دیده به راحتی می تواند در دادگاه حقوقی درخواست الزام وی به انجام تعهد و حتی جبران خسارت وارده را نیز بنماید. یکی دیگر از موارد پیش بینی شده در بند پ ماده ی ۸۱ «خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین» است.

در برخی موارد ممکن است شغل خاصی زمینه ایجاد جرم را بوجود بیاورد به همین دلیل از متهم خواسته می شود که از انجام آن شغل خودداری کند. به عنوان مثال فردی مکانیک است چون از همسرش جدا شده و ذهنش مشغول می باشد در تعمیر خودروها دقت نمی نماید و در اثر بی دقتی خودرو را درست تعمیر نمی نماید و سبب می شود که خودرو تصادف بنماید و سرنشین خودرو دچار ضرب و جرح شود. در چنین بستری مکانیک به دلیل ارتکاب جرم ضرب و جرح غیر عمدی قابل تعقیب کیفری می باشد. در چنین وضعیتی دادستان می تواند از متهم بخواهد که خسارت وارده را جبران بنماید و اگر امکان برآوردن فوری خسارت وجود ندارد التزام بدهد به صورت ماهانه خسارت را جبران بنماید و همچنین چون هنوز ذهن وی مشغول می باشد تعهد بدهد تا زمانی که از این وضعیت خارج می شود از تعمیر خودروها خودداری بنماید. یکی دیگر از مواردی که در ماده ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است مربوط است به «خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین». همان طور که می دانیم محیط تاثیر بسزایی بر بزهکاری دارد. در برخی از موارد خود محیط جرم زا می باشد؛ بنابراین مقام قضایی از متهم تعهد می گیرد که در چنین اماکنی رفت و آمد ننماید. یا در برخی موارد بزه دیده دوست ندارد که با بزهکار چهره به چهره بشود بنابراین مقام قضایی از متهم تعهد می گیرد در اماکنی که ارتباط مستقیمی به پدیده بزهکاری دارند بنابراین هدف از ممنوعیت حضور مجازات مضاعف بزهکار نیست بلکه برعکس هدف اصلاح بزهکار و پیش گیری از وقوع جرم می باشد. یکی دیگر از تدابیر پیش بینی شده در ماده ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری عبارت است از:

تدابیر پیش بینی شده در ماده ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری از لحاظ محتوایی تقریباً شبیه مجازات های تکمیلی می باشند. شایان یادآوری است در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ هدف از مجازات های تکمیلی در بیشتر موارد مجازات مضاعف متهم بود؛ یعنی در مواردی دادگاه حکم به مجازات تکمیلی می داد که می خواست افزون بر مجازات اصلی مجازات دیگری را نیز به مجرم بیافزاید. در حالی که از نیمه ی دوم قرن ۲۰ و بویژه در اوایل قرن ۲۱ دیگر هدف مجازات های تکمیلی به هیچ عنوان افزودن مجازاتی به مجازات اصلی نیست بلکه هدف از مجازات های تکمیلی از یک سو فراهم آوردن زمینه اصلاح بزهکار و از سوی دیگر پیشگیری از وقوع جرم می باشد؛ بنابراین نوع نگاه به ماهیت تدابیر پیش بینی شده در ماده ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری از اهمیت بسزایی برخوردار است.^۱ اگر نگاه قاضی به تدابیر یاد شده نگاهی مبتنی بر تشدید مجازات اصلی یا افزودن رنج و سختی مضاعف به مجرم باشد بنابراین می تواند مجرم را از حضور در هر محلی که بخواهد ممنوع بنماید ولی برعکس اگر نگاه قاضی به تدابیر یاد شده نگاه مبتنی بر اصلاح مجرم و پیشگیری از وقوع جرم باشد حضور مجرم را تنها در اماکنی ممنوع اعلام می نماید که به نظرش برای اصلاح وی یا پیشگیری از وقوع جرم یا الام درد و رنج بزه دیده به نظرش ضروری برسد. متأسفانه قانون گذار ایرانی به هیچ عنوان به چنین فلسفه ای اشاره ننموده است.

نتیجه گیری

به طور کلی قانون گذار ایرانی تحت تاثیر حقوق کشورهای غربی بویژه فرانسه نهاد قرار بایگانی پرونده را پیش بینی نموده است. با این همه قانون گذار سعی نموده این نهاد برگرفته شده از حقوق کشورهای غربی را با مقررات حقوق اسلامی وفق بدهد به همین دلیل در جرایم قابل گذشت صدور قرار بایگانی پرونده منوط به رضایت شاکی است. به نظر می رسد قانون گذار در این خصوص به خوبی عمل ننموده است زیرا بر مبنای ماده ی ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم قابل گذشت اگر شاکی خصوصی گذشت کند مرجع قضایی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب است؛ بنابراین به هیچ عنوان ضرورتی به وضع چنین شرطی نبوده است. به نظر می رسد نهاد بایگانی پرونده نیاز به اصلاح دارد و در صورت اصلاح آن می تواند نقش موثر و خوبی در مبارزه با تراکم پرونده ها و اطاله دادرسی داشته باشد.

۱ - محمدی، مصطفی، (۱۳۹۶)، مقاله قرار بایگانی پرونده، منتشر شده در سایت وکیل سرا، ۳.

منابع:

۱. بوشهری، جعفری، (۱۳۴۹) مدیریت اسناد و فن بایگانی، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
۲. پوربخش، سید محمدعلی، (۱۳۸۷)، جایگزین‌های نوین مجازات زندان در نظام کیفری، مجله حقوقی گواه. شماره ۱۲.
۳. جوانمرد، بهروز، (۱۳۹۳)، فرایند دادرسی کیفری، (جلد اول)، انتشارات جاودانه.
۴. خزانی، منوچهر، (۱۳۷۷)، بررسی نظری و عملی تسریع در آیین دادرسی کیفری، در: مجموعه مقالات فرآیند کیفری، چاپ نخست، تهران، انتشارات گنج دانش.
۵. شکرچی زاده، محسن (۱۳۹۴)، "نظام الکترونیکی اثبات جرم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲"، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۱)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ میزان.
۷. گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، نشر جنگل.
۸. محمدی، مصطفی، (۱۳۹۶)، مقاله قرار بایگانی پرونده، منتشر شده در سایت وکیل سرا.

Explaining the concept and the place of "the Order to File a Case" in the Iranian Criminal Procedure Code

Khatun Mahimi, Mahmoud Rouholamini

Researcher, Iran

Abstract

Filing a case is a judicial measure taken to speed up the criminal process. Hence the Order to File a Case is a final order whereby the prosecutor chooses to give up prosecuting a case. In Iranian penal system, before the adoption of the Criminal Procedure Code in 2013, this strategy had been predicted in a number of legislative provisions and some specific crimes such as crimes related to medical affairs and medicines, transport of goods and passengers, posting, hoarding and profiteering. The drafters of the Criminal Procedure Code of 2013 predicted this leniency institution in Article 80. This article is about an effective measure to speed up the process of criminal investigation and proceeding and reduce this process, but it is not free from weaknesses. One of the major weaknesses of this article is that it limits the scope of crimes punishable by the filing order. This article is an attempt to deal with the concept and place of this order in the Criminal Procedure Code as well as its strengths and weaknesses.

Keywords: The Order to File a Case, the Iranian Criminal Procedure Code
